

فراخوان برای برپائی کمیته برگزار کننده تظاهرات در مقابل مقر سازمان ملل - ژنو

برای برپائی کمیته برگزار کننده تظاهرات در مقابل مقر سازمان ملل
- ژنو

قیام علیه دیکتاتور و استبداد، عین حقوق بشر است

هم مبهنان آزاده و مبارز!

هفتمین نشست بررسی نقض حقوق بشر در ایران در روز های 15، 16، 17 فوریه 2010 از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل در مقر آن در ژنو برگزار خواهد شد. کارنامه نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی از بدو استقرار این نظام تا امروز آن چنان سیاه و جنایت بار بوده که از سوی هیچ وجدان بیداری نمی تواند مورد تردید قرار گیرد.

نقض مستمر و سیستماتیک حقوق بشر در جمهوری اسلامی با تلفیق دین و دولت از همان فردای انقلاب با اعدام سران نظام پیشین، یورش به کردستان و سرکوب و کشتار مردم کرد، اعمال گسترده تبعیض جنسیتی علیه زنان و به حاشیه راندن و طرد آنان از زندگی اجتماعی و محروم کردن آنان از کار و تحصیل و همچنین با ترور، قتل، زندان و اعدام مخالفین سیاسی و دیگر اندیشان، اقلیت های دینی و عقیدتی و دگر باشان آغاز گردید.

کشتار مخالفین و فعالان سیاسی چپ، دموکرات و ترقیخواه در زندان ها در سال های دهه 60 و ادامه آن تا امروز (در سال گذشته مطابق آمار رسمی دولتی 346 تن از محکومان در ایران جان خود را بالای چوبه های دار از دست دادند، هم اکنون گروهی از زندانیان در مناطق مختلف ایران در معرض خطر اعدام قرار دارند.)، قتل های زنجیره ای، کشتار و سرکوب دانشجویان در تیر ماه 78 و ادامه تاکنونی آن، تحدید و نقض مستمر حقوق زنان، جوانان و کارگران و زحمتکشانشان و مزد و حقوق بگیران و تعرض و تجاوز به حق حیات آنان، راندن بخش عظیمی از جامعه به زیر خط فقر، دستگیری، حبس و زندان کردن نویسندگان، روشنفکران، روزنامه نگاران و اقلیت های دینی و از جمله بهائیان، این ها همه خود بیانگر گوشه ای از نقض مستمر و فاحش حقوق بشر در ایران است. خاوران ها و کهریزک ها از یک سو نماد ایستادگی و مبارزه مردم و از سوی دیگر شاهد جنایت علیه بشریت از سوی جمهوری

اسلامی اند. از همین رو آمران و عاملان این جنایات باید بدلیل جنایت علیه بشریت، مورد محاکمه قرار گیرند.

نشست امسال بررسی نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی در شرایطی برگزار می شود که جنبش حق طلبانه و آزادیخواهانه مردم کشورمان تداوم و گسترش یافته و تا برچیدن بساط نظام جمهوری اسلامی و برپائی آزادی و دموکراسی و برابری، سر باز ایستادن ندارد. ما بر این باوریم که جنبش مردم کشورمان برای پایان دادن به حکومت ضد بشری جمهوری اسلامی عین حقوق بشر است.

به باور ما اعلامیه جهانی حقوق بشر بر این مساله تصریح دارد که حق تعین سرنوشت هر فرد به خود وی سپرده شده است و نه هیچ فرد و نیروی دیگری در زمین یا آسمان.

از این نگاه، این حق از یک سو بر برابری حقوقی و سیاسی هر فرد، مستقل از رنگ، زبان، مذهب، ملیت و جنسیت ناظر است. و از سوی دیگر بر مناسبات زندگی اجتماعی افراد انسانی یا جمع آحاد و بمعنای مردم، ناظر است. بعبارت دیگر بیان مشخص حقوق بشر در ساختار سیاسی یعنی حاکمیت مردم بر قدرت. از این رو جمهوری اسلامی از همه جهات ناقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر و مانع اصلی بر سر تحقق آن است. ناکفته پیدا ست که تحقق حقوق بشر در ایران تنها با سازمانیابی توده ها و بدست آنان میسر خواهد بود.

برچنین بستری در آستانه برگزاری هفتمین نشست بررسی نقض حقوق بشر در ایران، از تمامی هم میهنان آزاده، فعالان سیاسی و اجتماعی، نهاد ها و تشکل های حقوق بشری و مترقی در خارج از ایران دعوت می کنیم، برای برپائی کمیته برگزاری حرکت اعتراضی در شهر ژنو، در جلسه پالتاکی که قرار است به همین منظور در عصر روز جمعه 29 ماه ژانویه ساعت 20 به وقت اروپای مرکزی برگزار شود، شرکت نمایند. این حرکت اعتراضی در صورتی موفق به انعکاس مبارزه و مقاومت مردم کشورمان، در میان افکار عمومی جهانی خواهد گردید و در صورتی امکان جلب افکار عمومی، به رخداد های ماههای اخیر کشورمان در خارج از کشور را میسر خواهد ساخت، که از همکاری و همیاری شما هموطنانمان برخوردار گردد. دستان شما را می فشاریم.

پیروز باد جنبش حق طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران
زنده باد همبستگی مبارزان راه آزادی و دموکراسی در ایران
کمینه موقت تدارک تظاهرات در ژنو

21/1/10

آدرس پست الکترونیک iran_geneve@yahoo.com

شماره تلفن های تماس:

جمشید مهر مسئول هماهنگی کمیته موقت تدارک تظاهرات در ژنو
0041767014478

خالد حسین زاده 0041798562970

صادق ناهومی 0041765888017

خسرو آهنگر 0041789109789

جمشید انور 0041793626494

آدرس اطاق پالتاکی:
اطاق: ایران دموکراسی و سوسیالیسم

IRAN DEMOCRACY VA SOCIALISM
MIDDLE EAST- IRAN

در سوگ پدرم غلامرضا وثیق از یاران خلیل ملکی

شیدان وثیق

پدرم، غلامرضا وثیق، در نیمروز پنجشنبه هشتم بهمن در سن 96 سالگی ناگهان بر اثر حمله مغزی در تهران درگذشت. او یکی از فعالان سابق سیاسی و یکی از همراهان و یاران نزدیک و وفادار خلیل ملکی بود. پدرم پس از انشعاب خلیلی ملکی از حزب توده به گروه ملکی می‌پیوندد و در تشکیل و سازماندهی جریان نیروی سوم و سپس حزب زحمتکشان مردم ایران شرکت می‌کند. غلامرضا وثیق دیپلم دکترای حقوق خود را در سال 1328 در فرانسه اخذ می‌کند. در همان زمان، او که به افکار دموکراتیک، لائیک و سوسیالیسم آزادی خواهانه توجهی خاص دارد، تز دکترای خود را در باره ی حقوق کار و کارگران می‌نویسد.

او همراه خلیل ملکی در نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق شرکت

می‌کند. از سال 1330 تا 1332 با مجله‌ی علم و زندگی همکاری می‌کند و در آن نشریه به نگارش و ترجمه‌ی مقالاتی در جهت افکار و عقاید آزادی خواهانه، دموکراتیک و سوسیالیستی می‌پردازد.

غلامرضا وثیق، پس از از کودتای 28 مرداد 1332 و در شرایط افول سیاسی، در همراهی با خلیل ملکی به فعالیت در محافل نزدیک به ایده‌های نیروی سوم و جمعیت سوسیالیست‌ها ادامه می‌دهد.

در آستانه‌ی انقلاب بهمن، پدرم همراه با نیروهای لائیک و ملی‌گرا در جنبش ضد سلطنتی شرکت می‌کند. در جریان تجمع سیاسی در کاروانسرا سنگی حضور دارد و در حمله‌ی اوباشان رژیم پهلوی از ناحیه سر زخمی می‌شود. در همین دوره و تا چندی پس از انقلاب او با نشریه‌ی جنبش همکاری می‌کند.

پس از انقلاب بهمن 57، غلامرضا وثیق به کار ترجمه می‌پردازد. از سال‌ها پیش به افکار معترضین سیستم «سوسیالیسم واقعاً موجود» توجه‌ای ویژه دارد و مقالات و اعلامیه‌هایی از معترضین این نظام در اتحاد شوروی و اروپای شرقی به فارسی بر می‌گرداند. او در نظریات این معترضین بر ضد توتالیتاریسم، اثبات و گواهی بر نظریه‌های نیروی سوم، خلیلی ملکی و خود می‌دید که همین ایده‌ها و نقدها و اعتراضات را سه دهه پیش از فروپاشی اتحاد شوروی مطرح می‌کردند، در شرایطی که چون اقلیتی کوچک و بر خلاف جریان، در برابر زرادخانه سیاسی-ایدئولوژیکی آن دستگاه وابسته به قدرت شمالی، حرکت می‌کردند. پدرم کتاب مشهور میکائیل وسلنسکی به نام نومانکلاتورا را در سال 1364 به فارسی بر می‌گرداند. از او هم چنین ترجمه‌های دیگری به جاست چون: ملت عرب نوشته‌ی سمیر امین، کوچه‌ی پرولتر سرخ، نوشته‌ی نینا و ژان که هایان، چین پس از مائو نوشته‌ی شارل بتلهایم...

از دیگر کارهای مهم و ارزنده‌ی غلامرضا وثیق ترجمه‌ی فرهنگ علمی و انتقادی فلسفه اثر آندره لالاند از زبان فرانسه به فارسی است. پدرم انسانی فرهیخته و دنیا دیده با ایده‌هایی مدرن، لائیک، دموکراتیک و آزادی خواه بود. او در دوران فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی‌اش در پی تلفیق این افکار، آرمان‌ها و ارزش‌ها با شرایط ایران بود. امری که هم اینک نیز مسأله انگیز امروز ما در ایران، در جنبش اعتراضی کنونی در برابر و در نفی جمهوری اسلامی است...

پدرم از میان ما رفت در شرایطی که ایده‌های آزادی خواهانه، دموکراتیک و لائیک او هم اکنون در جامعه‌ی ایران در حال رشد و توسعه‌اند.

در غم نبود او، در اندوه نبود واپسین دیداری با او
در سوگ او، برای سوگ او، در گرامی داشت او
پاس می‌دارم ایده های آزادی خواهانه او را
مصمم ادامه می‌دهم راه ناهموار او را

پاریس

شنبه ۱۰ بهمن ۱۳۸۸ - ۳۰ ژانویه ۲۰۱۰

یاد غلامرضا وثیق گرامی باد

از شمار دو چشم یک تن کم

وز شمار خرد هزاران بیش!

از جمع همگامان و کوشندگان قدیمی راه آزادی و آزادگی مردم ایران،
دکتر غلامرضا وثیق چشم از جهان فرو بست. او نسبت به حق انسان در
سرنوشت خود، مصداق واقعی وثیق، یعنی استوار و محکم و به قول
فردوسی به سه خصلت برجسته انسانی: خردمند و بیدار و روشنروان
پیراسته بود. در برج عاج دانش گرانقدر خود به عافیت ننشسته بود؛
بلکه با تکیه بر بینش ژرف خود نسبت به واقعیت های حاکم بر جامعه،
در انطباق خردمندانه سنت و تجدد، اما نه در تقابل ویرانگر آن،
مبارزه می کرد. آثار قلم و دانش او با تألیفات و ترجمه ها و
اندیشه هایش خود کارنامه درخشان زندگی پر ثمر اوست.
روانش شاد و یادش گرامی باد.

داریوش آشوری، ناصر پاکدامن، امیر پیشداد، علی اصغر حاج سید
جوادی، منوچهر رسا، هوشنگ سیاح پور، حسین صدری، عباس عاقلی زاده،
محمود عنایت، کیان کاتوزیان، هوشنگ کشاورز صدر، اصغر منجمی، علی
نیرومند.

شنبه ۱۰ بهمن ۱۳۸۸ - ۳۰ ژانویه ۲۰۱۰

بیانیه ی ۶۰۰ نفره حمایت از

مهین فهیمی، زهره تنکا بنی، امید منتظری

یکشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۸۸ - ۳۱ ژانویه ۲۰۱۰

بیش از بیست سال از کشتار زندانیان سیاسی در ایران می گذرد و هنوز هیچ پاسخی به خانواده های این زندانیان و نیز افکار عمومی داده نشده است که این افراد چرا و به حکم چه دادگاهی به مرگ محکوم شدند و آیا برای دولتی که در آن سال ها در صدد کسب کامل قدرت بود هیچ گریزی جز کشتار مخالفان وجود نداشت؟

پس از گذشت سالها هنوز تعداد دقیق کشته شدگان مشخص نیست و حاکمیت نه تنها تا به حال مسئولیت این فاجعه و پیامدهای آن را بر عهده نگرفته است ، بلکه حتی در تمام این سالها با برگزاری مراسم یادبودی که از سوی خانواده ها در معروف ترین گور دسته جمعی این زندانیان در خاوران و گورستانهای دیگر برگزار می گردد برخورد کرده اند.

از آن سالهای سیاه و خونین دو دهه گذشته است ولی خانواده های قربانیان این فاجعه تاریخی از گزند بی عدالتی ها در امان نمانده اند و سالهاست نه تنها از عمده حقوق اجتماعی خود به عنوان یک شهروند محروم بوده اند بلکه همواره به بهانه های مختلف تحت بازجویی و فشار قرار گرفته اند، اما آنها به جای سرگردانی در دایره خشونت راهی دیگر جستند و در راه دستیابی به صلح و اجرای عدالت و قانون برای همه مردم فعالیت کردند، آنان چاره کار را در پایان خشونت جستجو می کردند و اکنون دیگر بار اسیر خشونتی شدند که گویا بی وقفه بر سرنوشت آن ها سایه افکنده است.

در نیمه شب ششم دی ماه ۱۲ نفر از ماموران وزارت اطلاعات به منزل مهین فهیمی همسر یکی از کشته شدگان دهه شصت و زنی که در این سال ها جز برای صلح فعالیت نکرده است ، هجوم برده و پس از تفتیش منزل او و همسایگان با رفتاری توهین آمیز اقدام به ضبط وسایل شخصی و کامپیوترهای ساکنان این منازل و بازداشت آنان به همراه مهمانان نشان کردند. صبح روز بعد زمانی که فرزند مهین فهیمی (امید منتظری) دانشجوی رشته حقوق دانشگاه علامه طباطبایی که در حوزه فرهنگ و اندیشه فعالیت می کرده است ، به اداره پیگیری اطلاعات

مراجعه می کند و آستانه امتحانات آخرین ترم تحصیلیش ، توسط ماموران بازداشت می شود. این مادر و پسر سال ها قبل زمانی که مادر فرزند خویش را آبتن بوده نیز مدتی را با هم در زندان گذراندند و اکنون بعد از سال ها باز در کنار یکدیگر در محبس قرار گرفته اند ، اما این بار بی خبر از هم .

در یکی از همان روزهای ابتدایی دی ماه زهره تنکابنی یکی دیگر از بازماندگان دهه شصت نیز در منزل شخصی خود و علی رغم بیماری بازداشت شده است او همچون دوست و یار قدیمی خود مهین فهیمی همواره برای صلح فعالیت نموده و در این سال ها یکی از مادران صلح ایران زمین بوده است. یکی از زنانی که اگر چه شاهد زندان و شکنجه و کشتار بوده اند اما هرگز رویای صلح را از سر بیرون نکرده اند.

آنان در این سال ها صبورانه درد خود را تاب آورده اند تا فردایی صلح آمیز را برای این سرزمین به ارمغان آورند .

اکنون ما امضا کنندگان این بیانیه خواستار پایان فشارهای مضاعف بر بازماندگان کشتار دهه شصت بوده و با توجه به اینکه آنان فعالیتی خارج از چارچوب های قانونی نداشته و جز برای صلح و اجرای عدالت و قانون ، فعالیتی نکرده اند، از تمامی سازمان های مدافع حقوق بشر خواهان حمایت از زهره تنکابنی، مهین فهیمی و امید منتظری و از مسئولان قضایی خواهان آزادی بی قید و شرط آنان و دیگر زندانیان هستیم.

اسامی امضا کنندگان این بیانیه:

آذر محلوگیان ، آراز فنی، آرزو امید، آرش ، آذر جلیلی، آرش بهمنی ، آرش حافظی، آرش سلیمانی ، آرش کیا ، آرش نصیری اقبالی، آرمین م ، آرمین مالکی ، آزاده ثبوت ، آزاده خسروشاهی ، آزاده شکوهی ، آزاده فرامرزیها ، آسام رفعتی ، آسیه امینی

آلش صارمی، آمادور نویدی، آوا شکیب، آیدا سعادت، آیدا فجر، آینه آزاد، ابراهیم امدادی ، ابراهیم رنجکش ، ابولفضل ارکوخانی، احسان صفایی ، احمد باطبی ، احمد زاهدی لنگرودی، احمد عبدالهی ، احمد مصطفی لو، احمد نجاتی، احمد نوری، احمد رضا علی حسینی، اختر قاسمی، اسد شهیار، اسفندیار طبری ، اسماعیل ختائی، اصغر نصرتی ، اعظم شاهچراغی ، افسانه شهره، افسانه گودرزی، اقبال نظرگاهی، اکبر سیف، اکبر محمدی فر، اکرم ابویی، اکرم رفعتی، اکرم محمدی، اکرم مصباح، اکرم موسوی، البرز سربلند، الناز انصاری، الناز

ناطقى، الهام كاميابى، الهام هومين فر، الهه صدر، الينا آذرى،
اميد آقاباباى، اميد كوهى، اميده سحر، امير جواهرى لنگرودى،
امير حاجى شريفى، امير رشيدى، امير مهرمنش، امير مومبىنى، امير
يعقوبعلى، امين حصورى، انور ميرستارى، ايرن رضا زاده

بابك اميرخسروى، بابك جاني، بابك حقوقى، بابك خرم، بانو صابرى،
برزين ايرانى، برومند صادق پور، بلال مرادويسى، بهار اميدوار،
بهار خسور، بهار مجدزاده، بهاره افقهى، بهرام امامى، بهروز
پورنام، بهروز خليق، بهروز سورن، بهروز فتحعلى، بهروز فدائى،
بهروز قاسمى، بهروز معظمى، بهزاد عباسى، بهزاد كريمى، بهمن
امينى، بهمن شفيق، بهمن محمدى، بهمن نيرومند، بهنام داراى زاده،
بهنام وفاسرشت، بيتا طاهباز، بيژن رحمانيان، بيان محمدى، بيژن
كيارسى، بيژن ميثمى

پارس، پانته آ بهرامى، پاتريك بىلى، پرتو نورى علا ، پرديس
درخشنده، پرديس رحمان فرد، پرستو دوکوهكى، پروانه مسلمى، پرويز
پور، پرويزقليچخانى، پروين ضرابى، پروين ابراهيم زاده، پروين
اردلان، پروين پيروانى، پروين قاسمى، پريسا ، پريسا تنكابنى،
پريسا روشنفکر، پريسا عماديان، پوران شهپر، پويش عزيزالدين، پويا
دوستى، پويا عزيزى، پيام اطيابى، پيام روشنفکر، پيمان پيدار،
پيوند باشکندى

تيرداد بنکدار، ت. خوشکلام

ثريا يوسفى

جادی ميرميرانى، جاني خسروآبادى، جعفر ادمين، جعفر بهکيش، جعفر
حسين زاده، جلوه جواهرى، جليل مبشرى، جمشيد اطيابى، جمشيد
جزستانى، جهان خلوتى، جيران مقدم

حامد شيبان، حجت نارنجى، حجت نيابلى، حسن عربزاده حجازى، حسن
اعتمادى، حسن جعفرى، حسن درويش پور، حسن زهتاب، حسن شمس، حسن
نايب هاشم، حسن نظرى، حسنى، حسين باباى، حسين درياني، حسين
وليزاده، حمزه فراهتى، حميد، حميد حميدى، حميد رضا عسگرى نژاد،
حميد کينگ، حميدرضا برهانى، حميلا نيسگيلى

خاطره معينى، خديجه مقدم، خسرو تجربه کار

دانش باقرپور، داود معزمى، داوود نوائيان، دکتر شهين نوائى، دکتر

حسن مثلی، دکتر رسول رضوی، دلارام علی، دنا بابا احمدی، دنیا راد

راحله ایرانی، راحله حسینی، راضیه زیدی، رامین امن گستر، رامین مسلمیان، رحمان شجاع، رزیتا رجایی، رضا کاویانی، رضا اسدی، رضا امین، رضا جعفری، رضا جوشنی، رضا چرندابی، رضا دهقان، رضا شهابی، رضا صفری، رضا ظهیری، رضا عفتی، رضا کریمی، رضا مرزبان، رضا نیکفر، رضا همیانی، رضوان مقدم، رفعت لنگرودی، رها عسگری زاده، روح الله شجاع، روزبهان امیری، رویا دیناروند، رویا پازوکی، رویا رودسری، رویا واحدی، ریکاردو آساطور، ریما فریدونی

زارا کیا، زهره اسدپور، زویا موسسیان، زیبا رحیمی، زینب پیغمبرزاده

سارا ایرانی، سارا حبیبی، سارا دهکردی، سارا روزدار، سارا شعر، سارا عظیمی، سارا فدوی، ساسان سترگ، سام الدین ضیائی، ساناز محسن پور، سپیده پور محمدی، سپیده خاکسار، سپیده عباس زاده، ستار آوهنگ، ستاره، ستاره شجاعی، ستاره علوی، سحر جامعی، سروش دشتستانی، سعدی عزمیان، سعید احمدی، سعید ارجمندی، سعید محمد زاده، سعید نیکزاد، سعید ولدبیگی، سلطانی، سمانه عابدینی، سهراب خوشبویی، سهراب مختاری، سهیلا مسافر، سهیل حاتمی، سهیل کشاورز، سهیلا گلشاهی، سوسن شعبانی، سوسن کولیوند، سیامک سلطانی، سیامک مویدزاده، سیاوش دریایی، سیاوش فرجی، سیاوش کوهرنگ، سیاوش محمودی، سیما حسین زاده، سیما محضری، سیمین اصفهانی، سیمین رادمنش، سیمین مرعشی، سینا انصاری

شاهین انزلی، شبنم ایرانی، شکوفه سخی، شکوفه منتظری، شکوه ش، شهاب الدین شیخی، شهاب سیروان، شهاب فیضی، شهاب مولوی، شهباز نخعی، شهرام رفیع زاده، شهرزاد صادقی، شهریار آهی، شهلا ابقری، شهلا بهاردوست، شهلا فرید، شیما فرزادمنش، شیرین صوفی، شیرین فامیلی، شیرین فدوی

صادق کار، صادق کشاورز، صادق ناهومی، صبری نجفی، صحرا آزاد، صدیقه پاک ضمیر، صفا بهرام، صفا مرادی

طاهره امام قلی، طاهره سوری، طلعت تقی نیا

عباس شکری، عباس فرد، عباس مظاہری، عذرا ابازری، عذرا طبری، غسل اخوان، غسل تقی پور، عشا مومنی، عفت ماهباز، علی رضاجباری، علی مشمولی، علی معظمی، علیرضا اخوان، علی اشرف یاراحمدی، علی اکبر

خسروشاهی، علی پور نقوی، علی توفیق، علی حسنی، علی دروازه غاری، علی دشتی، علی س، علی ساکی، علی ستاری، علی صادقی، علی صمد پوری، علی طایفی، علی عاشوری، علی کلائی، علی ماهباز، علی مختاری، علی مغازه ای، علی ملک زاده، علی موسوی، علی ندیمی، علیرضا پورنوروز، علیرضا حیرتی، علیرضا صادقی، علیرضا منصوبی، غلام حسین عسگری

فائزه محسنی، فائزه منزوی، فاطیما آرا، فخری شادفر، فراز صفوی، فرامرز سبزعلی زاده، فرامرز شیراوند، فرج الله برجیان، فرح خلیل نژاد، فرحناز محمدی، فرخ قهرمانی، فرخنده جبارزادگان، فرداد پورمند، فردوس تاجدینی، فرزانه ایل بیگی، فرزانه سوری، فرزانه شریفی، فرزانه عظیمی، فرزین آصفی، فرزین شریفی، فرشته صوفی، فرشته فراهانی، فرشته قاضی، فرشته مجیدی، فرشید، فرشین کاظمی نیا، فرنگیس ایرانی، فرنگیس بایقره، فرهاد رها، فرهاد فرجاد، فروزان عبدالرزاده، فریبا تحقیقی، فریبا حمیدی، فریبا مجد، فریبا هادی زاده، فریبرز شمشیری، فریده آزاد، فریده پور عبدالله، فریده رضایی، فریده یزدی، فریدون رضائی، فرین فخاری، فواد محمودی، فیروزه راد، فیروزه مهاجر، قاسم ارسیان، قدسی سرمست

کارن جواهری، کامران احمدی، کامران پارسایی، کامران طاهباز، کاوه آهنگری، کاوه بنایی، کاوه قاسمی کرمانشاهی، کاوه مظفری، کاوه یغمایی، کبری کریمی، کریم پورحمزاوی، کریم دیناروند، کسری شیخ، کولیایی، کیانا حسینی، کیانا مالکی، کیخسرو خسروپرویز

گلرخ جهانگیری، گلناز خواجه گیری، گلناز ملک، گوهرشمیرانی، گیتی سلامی

لیدا صدرالعلمایی، لیلا آرا، لیلا اصلانی، لیلا انصاری، لیلا جدیدی، لیلا منصور، لیلا نظری

ماریا رشیدی، ماشاله سلیمی، مانا علوی، مازیار پ، ماندانا کایدی، مبین هوتک، مجتبی عابدینی، مجید تمیمی، مجید جعفری هرستانی، مجید عبدالرحیم پور، محبوبه حسین زاده، محبوبه کرمی، محسن خوشبین، محسن نژاد، محمد بهشتی، محمد تک دهقان، محمد شمس، محمد شیرازی، محمد طرفه نژاد، محمد علی اصغری، محمد فلاح نیا، محمد ق، محمد کلاهی، محمد محمدی، محمدرضا یدک، محمدرضاراعی، محمود عراقی، محمود ارغوان، محمود خلیلیان، محمود علوی، محمود کرد، محمود معمار نژاد، مرتضی صادقی، مرجان افتخاری، مرصده محسنی، مرضیه بخشی زاده، مرضیه مهاجر، مروارید مناهی، مریم زندی، مریم امیری،

مریم حبیبی، مریم حقیقی، مریم رام، مریم نوری، مژگان ثروتی، مسعود خدادادی، مسعود رسا، مسعود سراپچیان، مسعود شب افروز، مسعود فتحی، مسعود کرمی، مصطفی بیگلری، مصطفی محمدرضایی، مقصود صالحی، ملودی دادرسان، ملیحه پویا بهار، مناف عماری، منصوره بهکیش، منصوره خسرو شاهی، منصوره درزی، منوچهر راستا، منوچهر شهرکی، منوچهر لرستانی، منیژه نجم عراقی، منیره کاظمی، منیژه احمدی، مه ناز طالبی طاری، مهدی ابراهیم زاده، مهدی احمدلو، مهدی حسینی، مهدی شوقی، مهدی فتاپور، مهدی ماهباز، مهدیه صالح پور، مهدیه طایفه کلهری، مهرآفرین ثابتیان، مهران ادیب، مهران کشاورز، مهرداد دادرسان، مهرداد درویش پور، مهرداد گیلانی، مهرداد مهران، مهرداد نای داوودی، مهرگان پسگوی، مهنوش اعتمادی، مہری جعفری، مہری معمارحسینی، مهسا شکرلو، مهشید معتضدی، مہناز دشتی، مہناز ده بزرگی، مہین جوشک، مہین خدیوی، مونا محمد زاده، میترا ابراهیمی، میلا مسافر، میترا خلعتبری، میترا یوسفی، میثم اخوان، میرعلیرضا میرمویدی، میلاد زرکری، میلاد م، مینا خانی، مینا مشکات، مینو فروغ، مینو همیلی، مینو قریشی- جزنی

نادرزاده، نازلی فرخی، نازنین پروین، نازی عرفانی، ناسیه صوفی، ناصر اشجاری، ناصر رحمانی نژاد، ناهید جعفری، ناهید میرحاج، ناهید ناظمی، ناهید نصرت، نیلوفر سنندجی زاده، نبی صمیمی، ندا اقبالی، ندا حق، ندا منابادی، نرگس ساجدی، نرگس مقدم، نسرين چنگیزیان، نسرين بصیری، نسرين حمیدی، نسرين صادقی، نسرين عباسی، نسیم روشنایی، نسیم سلطان بیگی، تصور نقی پور، نقی حمیدنیا، نقی حمیدیان، نگار مرتضوی، نهال شرفی، نوشین کشاورز نیا، نوشین شاهرخی، نوید محبی، نیما نامداری، نیره توکلی، نیکزاد زنگنه، نیلوفر گلکار، نیما حیدری، نیما علوی

هادی ابراهیمی، هادی قادری، هادی میرمویدی، هانا دارابی، هایدہ تابش، هایدہ دراگاگی، هایدہ راوش، هدا امینیان، هدی جوانمرد، هدیہ آسمانی، هما علیزاده، هما مرادی، هوشنگ حسین پور، هوشنگ دیناروند، هژیر پلاسچی، هادی معینی،

وحید آرال، وحید میرشکار، وحیده محمودی، وحیده مولوی، وهاب انصاری، وهاب دوستی دوکوشکانی، ویدا بیگلری

یاسمن نیلفروشان، یاسمن صوفی، یاور خسروشاهی، یوسف احمدی، یلدا نادری، یوسف فاطمی

اعدام تظاهرکنندگان جنایت علیه بشریت است

منوچهر صالحی

پنجشنبه ۸ بهمن ۱۳۸۸ - ۲۸ ژانویه ۲۰۱۰

بی‌دادگاه‌های پنهانی و خلاف قانون رژیم اسلامی با هدف ترساندن مردمی که از خودسری‌های فراقانونی «ولی فقیه» و رئیس‌جمهوری که با تقلب در آراء مردم توانسته است همچنان بر مسند حکومت باقی بماند، یازده تن از کسانی را که در تظاهرات اخیر تهران شرکت داشتند، به جرم عضویت در «گروه‌های ضد انقلابی انجمن پادشاهی ایران و گروهک تروریستی منافقین»، «مبارزه با خدا» و «اقدام در جهت براندازی رژیم اسلامی» به اعدام محکوم ساختند و امروز - پنجشنبه ۲۸ ژانویه - آقایان محمدرضا زمانی و آرش رحمانی‌پور را به چوبه دار آویختند.

از آنجا که این دادگاه‌ها بر خلاف اصل ۱۶۶ «قانون اساسی» جمهوری اسلامی تشکیل شده‌اند و دادگائی فرمایشی و خلاف قانون به تقاضای فرجام به رأی دادگاه این دو محکوم اعدام شده رسیدگی کرده است، اعدام افرادی که در تظاهرات صلح‌آمیز شرکت جستند و از حق آزادی بیان خود استفاده کردند و به سود خواست‌های مدنی خود شعار دادند، اقدامی علیه حقوقی است که در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و حتی در «قانون اساسی» جمهوری اسلامی به مثابه حقوق بشر و فرد تدوین شده‌اند و بنابراین جنایتی علیه بشریت است. رهبران حکومت ایران، قضاتی که حکم اعدام کسانی را صادر کردند که دستشان به خون کسی آلوده نیست، و کسانی که طناب دار را به گردن این محکومین انداختند، باید در دادگاه‌های بین‌المللی به جرم تجاوز به حقوق انسانی و جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

رژیم ولایت فقیه ایران برای حفظ سلطه ضدقانونی خود در ایران به همان راهی گام می‌نهد که تمامی رژیم‌های ضد مردمی مجبور به طی آن

هستند، راه خشونت آمیخته به جنایت و کشتار و تجاوز مستمر به حقوق مردم. رهبران چنین حکومت‌هایی می‌پندارند که می‌توانند با زندانی ساختن، شکنجه و اعدام مردم ناراضی، توده مردم را بترسانند تا در مراسم 22 بهمن حوادث روزهای تاسوعا و عاشورا تکرار نشود. اما مردمی که به‌جان آمده‌اند، مردمی که می‌بینند این رژیم آن‌ها را به بن‌بست هدایت کرده است و تا 40 میلیون در زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بیکاری و تورم همه‌جاگیر گشته است، چرا باید از زندان، شکنجه و اعدام بترسند؟

امیدوارم، بلکه یقین دارم که مردم دلیر ایران مراسم بزرگداشت انقلاب 1357 را به جنبشی بزرگ علیه رژیم ولایت فقیه بدل خواهند ساخت و گام توانمند دیگری در جهت فروپاشی این کاخ پوشالی برخواهند داشت.

www.maouchehr-salehi.de

جان گروگانها در دست ماست

“زندانیان سیاسی در معرض خطر اعدام”

بدنبال تظاهرات مردم ایران در تاریخ 6 دی 1388 (روز عاشورا) دهها تن از معترضین توسط نیروهای امنیتی رژیم ایران کشته و عدد زیادی زخمی شدند. هزاران نفر دستگیر و جمع زیادی مورد ضرب و شتم بیرحمانه قرار گرفتند.

در این راستا حاکمین ایران با دستگیری وسیع فعالین سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، حقوق بشری و مطبوعاتی و . . . و با تحت فشار و شکنجه قرار دادن آنها به منظور اعتراف گیری اجباری و محارب خواندن عده ای از آنها، در صدد به اجرا در آوردن سناریوی هستند که ابتدا اعتراضات مردم را فتنه بخوانند و بدنبال آن زمینه اجرای حکم اعدام آنها را، همچون قتل عام های سالهای 60 و 67، فراهم سازند. تا بدین ترتیب با ایجاد جو رعب و وحشت در میان مردم آنها را از پیگیری خواستها و مطالباتشان برحذر دارند.

اضافه بر این لازم به تاکید است که این دستگیرشده گان از هیچ گونه حقوقی برخوردار نیستند؛ هیچ گونه اطلاعاتی در مورد آنها از سوی

حاکمین ایران منتشر نمی شود؛ اجازه داشتن وکیل اختیاری ندارند؛ پشت درهای بسته و در دادگاههای فرمایشی به اتهامات آنها رسیدگی می شود و . . . و بعبارتی دیگر این زندانیان در واقع گروگان حاکمین ایران هستند .

علی رغم نگرانی افکار عمومی جهان در مورد وضعیت این گروگانهای زندانی، تاکنون رژیم به درخواستهای متعدد سازمانها و نهادهای ایرانی و بین المللی مبنی بر آزادی این افراد عکس العملی نشان نداده است و تجربه هم نیز نشان داده است که رژیم در این رابطه تابع معیار بین المللی حقوق بشر نیست و بدون تأسی از معاهده ها و پیمانهای بین المللی در این زمینه، در نقض گسترده، مستمر و برنامه ریزی شده حقوق بشر در ایران کوتاهی نکرده است.

ما بعنوان جمعی از نهادهای ایرانی دفاع از حقوق بشر از کلیه نهادها و فعالین حقوق بشر تقاضا می کنیم که افکار عمو می را در این جهت آگاه ساخته و برای نجات جان گروگانها از دست حاکمین ایران سرسختانه بکوشند.

ولی آنچه نهایتاً می تواند جان گروگانهای در معرض خطر اعدام را نجات دهد عبارتند از؛ پیگیری خواستها و مطالبات مبتنی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای الحاقی آن از سوی مردم؛ اعتراض مستقیم مردم به حبس و موج دستگیری و مقابله با خطری که جان زندانیان را تهدید می کند و همچنین تقاضای آزادی کلیه زندانیان سیاسی و بازداشت شده گان وقایع اخیر.

1 بهمن 1388 برابر 21 ژانویه 2010

فعالین ایرانی دفاع از حقوق بشر در اروپا و امریکای شمالی
کمیته دفاع از زندانیان سیاسی
کمیته گزارشگران حقوق بشر

علیه کشتار انسانها به نام «محاربه با خدا» به پا خیزیم !

بیانیه بیش از شصت تن از هنرمندان، نویسندگان، روزنامه نگاران، فعالان حقوق بشر، استادان دانشگاه و فعالان حقوق زنان

جمعه ۲۵ دی ۱۳۸۸ - ۱۵ ژانویه ۲۰۱۰

در پاسخ به اعلام جمهوری اسلامی برای محاکمه دستگیرشدگان در تظاهرات عاشورا به اتهام «محاربه با خدا»، وبلاگ نویسان جوان ایرانی با اعلام کمپین «من هم یک محارب هستم»، زبان و اندیشه ی مرگ اندیش حاکمان را به سخره گرفتند و همیاریشان را با همه دستگیرشدگان و زندانیان سیاسی اعلام کردند.

در همبستگی با این اقدام نمادین، ما هنرمندان، نویسندگان، روزنامه نگاران، فعالان حقوق بشر، استادان دانشگاه و فعالان حقوق زنان از همه آزادیخواهان در خارج از کشور می‌خواهیم با امضای بیانیه زیر و یا به هر شکل دیگری که می‌توانند برای پیشگیری از اعدام مخالفان، اعتراض به سرکوب و آزادی همه زندانیان سیاسی اقدام کنند.

برای امضای این بیانیه، امضای خود را به آدرس ای میل زیر بفرستید.

iran.iraneazad@gmail.com

علیه کشتار انسان‌ها به نام «محاربه با خدا» به پا خیزیم !

با متهم کردن بازداشت شدگان تظاهرات روز عاشورا به «محاربه با خدا»، رژیم ایران بار دیگر به ایرانیان و سراسر جهان اعلام می‌کند که من نماینده خدا روی زمین هستم و هر آنکس مخالف من بیاندیشد و سخن گوید و گام بردارد محارب با خداست و محکوم به توبه و یا مرگ. در سراسر جهان، بسیاری از مدافعان حقوق انسانی با ره آورد چنین جهان‌بینی که حاصل دگردیسی مذهب به ایدئولوژی سیاسی است آشنایند و به نتایج فاجعه بار آن در ایران آگاهی دارند: صدها هزار پیکر تازیانه خورده ! دهها هزار سر بر دار و جان ویران از آتش تیربار ، صدها قتل فراقضایی با پرونده نامعلوم در داخل و خارج کشور. به همت فعالان حقوق بشر اسناد و شواهد کافی درباره این جنایات در دست است و نهادهای بین المللی مدافع حقوق انسانی بارها به صدای بلند از این جنایات سخن گفته اند.

این تجربه می‌باید که به کار اقدام هشیار امروز آید، تا سدی بسازد در مقابل موج سرکوب که همراه با خیزش آزادی‌خواهانه مردم بالا گرفته است. با علم کردن اتهام نخ نمای «محاربه با خدا» حاکمان در تدارک قتل دگر اندیشان و مخالفان هستند. حاکمان بار دیگر به خود مقام خدایی اعطا کرده اند تا خواست آزادی را سرکوب کنند و خون انسان‌هایی را که جز حقوق شهروندی هیچ چیز نخواسته اند مباح سازند

پس شایسته است ما شهروندان ایرانی که خواهان حقوق انسانی خود هستیم، برای اقدام فوری علیه سرکوب و کشتار مخالفان، به صف آزادی‌خواهانی بپیوندیم که با صدای بلند می‌گویند: «من هم یک محارب هستم»

با تدارک هزارها اقدام اعتراضی علیه سرکوب و اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی، از جنایات تازه علیه بشریت به نام خدا پیشگیری کنیم.

یکصدا و با تمام قوا از آزادی‌خواهان سراسر جهان، از تمامی نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر و از سیاستمدارانی که از ارزش‌های دموکراتیک سخن می‌گویند بخواهیم از وقوع قتل‌های سیاسی در ایران پیشگیری و به سرکوب مخالفان اعتراض کنند.

1. گیل آوایی (شاعر - هلند)
2. هادی ابراهیمی (روزنامه نگار - ونکوور)
3. شبم اسداللهی (فعال حقوق بشر - اتاوا)
4. رضا اغنمی (نویسنده - لندن)
5. حمید اکبری (استاد دانشگاه - شیکاگو)
6. بهمن امینی (ناشر - پاریس)
7. اصغر ایزدی (فعال حقوق بشر - فرانکفورت)
8. مهرداد باران (آهنگساز و نوازنده - پاریس)
9. ناهید باقری (نویسنده - وین)
10. بهنام باوندپور (نویسنده - بن)
11. منیره برادران (فعال حقوق بشر - فرانکفورت)
12. سیروس بینا (استاد دانشگاه - مینه سوتا)
13. ناصر پاکدامن (نویسنده - پاریس)
14. جهانبخش پاکزاد (پژوهشگر علوم سیاسی - پاریس)
15. مهشید پگاهی (فعال جنبش زنان - دُرتموند)
16. حمید جاودان (کارگردان و بازیگر تئاتر - پاریس)
17. محمد جلالی - م. سحر (شاعر - پاریس)
18. گلرخ جهانگیری (فعال جنبش زنان - برلین)
19. جواد جواهری (نویسنده - پاریس)
20. نسیم خاکسار (نویسنده - اوترخت)
21. نسیم خسروی مقدم (شاعر و سینماگر - استرالیا)
22. آذر خونانی (فعال جنبش زنان - شیکاگو)
23. هایده درآگاهی (فعال جنبش زنان - استکهلم)
24. مهرداد درویش پور (استاد دانشگاه - استکهلم)

25. مهشید راستی (فعال جنبش زنان - استکهلم)
26. نسرین رحیمیه (رییس مرکز ایرانشناسی دانشگاه کالیفرنیا - ارواین)
27. یدالله رویایی (شاعر - پاریس)
28. صدرالدین زاهد (کارگردان و بازیگر تئاتر - پاریس)
29. حمید زنگنه (استاد دانشگاه - سانفرانسیسکو)
30. بابک سالاری (عکاس - مونترآل)
31. امیر سلطانی (نویسنده - یوتا)
32. بهرام شفیعی (فعال حقوق بشر - لندن)
33. روحی شفیعی (نویسنده - لندن)
34. شهلا شفیق (نویسنده - پاریس)
35. کاظم شهریاری (نویسنده و کارگردان تئاتر - پاریس)
36. بهروز شیدا (نویسنده - استکهلم)
37. پرویز صادقی (فعال حقوق بشر - دُرتموند)
38. الهه صدر (فعال جنبش زنان - کلن)
39. سیاوش عبقری (استاد دانشگاه - آتلانتا)
40. شهلا عبقری (استاد دانشگاه - آتلانتا)
41. سپیده فارسی (سینماگر - پاریس)
42. آراز فانی (فعال حقوق بشر - گوتنبرگ)
43. سیاوش فرجی (فعال حقوق بشر - استکهلم)
44. رضا قاسمی (نویسنده - پاریس)
45. فرهنگ قاسمی (فعال حقوق بشر - پاریس)
46. منیره کاظمی (فعال حقوق بشر - فرانکفورت)
47. شیما کلباسی (شاعر - واشنگتن - دی سی)
48. رضا مرزبان (روزنامه نگار - پاریس)
49. گرجی مرزبان (فعال حقوق بشر - وین)
50. شاهرخ مَشکین قلم (رقصنده و طراح رقص - پاریس)
51. عباس معیّری (نقاش - پاریس)
52. لیلی مظاهری (وکیل - واشنگتن - دی سی)
53. ابراهیم مکّی (نویسنده و کارگردان تئاتر - پاریس)
54. باقر مومنی (نویسنده - پاریس)
55. رضا مهاجری نژاد (فعال حقوق بشر - سانفرانسیسکو)
56. حمید مهدی پور (ناشر - کلن)
57. انور میرستاری (فعال حقوق بشر - بروکسل)
58. رضا ناصحی (فعال حقوق بشر - پاریس)
59. منوچهر نامور آزاد (کارگردان و بازیگر تئاتر - پاریس)
60. شُکوه نجم آبادی (بازیگر تئاتر - پاریس)

61. علی نگهبان (نویسنده - ونکوور)
62. شہین نوائی (پڑوہشگر و فعال جنبش زنان - برلین)
63. رضا ہیوا (شاعر - پاریس)